

ریسی، جاریان را به دلیل نقد عملکرد ریسی و اینکه اعلام کرده «دولت ریسی باید استعفا دهد» شایسته برخورد می‌داند. اما در عین حال تلاش می‌کند همه تخم‌مرغ‌هایش را در یک سبد و یک جایگاه قرار ندهد. به همین دلیل در عین حال که اصلاح‌طلبان را نقد می‌کند، اشاره‌ای هم به راه دشوار جبهه اصولگرایی برای رسیدن به اجماع می‌کند. باهنر با اشاره به اینکه «وحدت اصولگرایی به این راحتی‌ها اتفاق نمی‌افتد» تلویحا از ضرورت به کارگیری کاتالیزورهای صحبت می‌کند که بتوانند وحدت میان اصولگرایان را در بالاترین سطح محقق کنند و کیست که نداند یکی از کاتالیزورهای مورد نظر جبهه اصولگرایی، یعنی باهنر فردی است که میانه اصولگرایان سنتی و طیف‌های میانه‌روی اصولگرایی، برای خود وزنه‌ای به شمار می‌رود. باهنر به خوبی می‌داند برای جلب توجه اعضای جبهه پایداری، لازم است که دامنه انتقاداتش را متوجه محمدباقر قالیباف نیز کند. بر این اساس است که اعلام می‌کند: «با چپ‌چپ به راست‌راست» نمی‌توان بر مجلس ریاست کرد. عباراتی که بدون تردید قند را در دل پایداری‌چپ‌ها آب می‌کند و آنان را خرسند می‌سازد. اما تجربیات قبلی نشان می‌دهد که اعضای جبهه پایداری به این راحتی‌ها حاضر نمی‌شوند فردی خارج از دایره مورد نظرشان را وارد گود رایزنی و توافق کنند. بنابراین از همین امروز می‌توان پیش‌بینی کرد که تلاش باهنر برای نقد اصلاح‌طلبی، حمایت از دولت و اعتراض به عملکرد قالیباف منجر به نتایج مورد نظر نخواهد شد و باهنر در کنار سایر اصولگرایان سنتی خارج از گود تصمیم‌سازی‌های کلان اصولگرایی باقی خواهند ماند.

«اعتماد» در گفت‌وگو با جواد امام، مدیرعامل بنیاد باران، مسوول ستاد میرحسین موسوی در تهران و از اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تلاش می‌کند زوایای مختلف این بحث را بررسی کرده و پاسخی برای بسیاری از ابهامات پیدا کند. امام معتقد است: اظهارات باهنر (در نقد دولت سیزدهم) در محافل خصوصی و مجامع سیاسی بسیار متفاوت با مصاحبه اخیر او است.

اخیرا محمدرضا باهنر در واکنش به گفت‌وگوی سعید جاریان با «اعتماد» اعلام کرده، اصلاح‌طلبان تنها در صورت سپردن تعهد و تحت شرایطی خاص می‌توانند در انتخابات آینده حضور پیدا کنند. برخی معتقدند این اظهارات برآمده از نگرانی اصولگرایان از دورنمای آینده است. شما چطور فکر می‌کنید؟

حرف‌های باهنر مانند بسیاری از اصولگرایان سنتی، دیگر در طیف راست و اصولگرایان هم خریداری ندارد؛ (چه برسد برای مردم) که اگر حنای

باهنر رنگی داشت و می‌توانست مانند قبل در شمایل لابی‌من اصولگرایان فعالیت کند، می‌توانست حق علی لاریجانی را در انتخابات گذشته بگیرد و زمینه احراز صلاحیت او را فراهم سازد. مساله این است که اصلاح‌طلبان به هیچ‌وجه منادی تحریم انتخابات نیستند، بلکه این عملکرد نهادهایی چون شورای نگهبان و... است که باعث ناامیدی مردم از اثرگذاری رای‌شان می‌شود. در این شرایط باهنر اصلاح‌طلبان را تهدید کرده و با استفاده از يك عبارت سخیف اصلاح‌طلبان را «ناخلف» خطاب کرده است. برخی افراد و جریان‌ها به قیمت حذف مردم و به مسلخ بردن جمهوریت نظام و زیر سوال بردن دین، باعث شده‌اند که مردم ناامید شوند. اساسا اصلاح‌طلبان نیستند که انتخابات را تحریم کرده‌اند؛ این عملکرد برخی نهادهاست که مشارکت در انتخابات را کاهش داده است.

برخی معتقدند، اصولگرایان این حرف‌ها را می‌زنند تا در صورت کاهش مشارکت مردم در انتخابات، کاسه کوزه‌ها را بر سر اصلاح‌طلبان بشکنند؟

افرادی که باعث شدند انگیزه مردم برای مشارکت کاهش پیدا کند، باید پاسخگو باشند وگرنه اصلاح‌طلبان خودشان، قربانی این گزینش‌ها هستند. آقایان برخلاف قانون اساسی اصلاح‌طلبی را جرم‌انگاری کرده‌اند؛ یعنی افراد به دلیل اینکه در احزاب اصلاح‌طلب عضو هستند، ردصلاحیت می‌شوند. شرکت در انتخابات يك حق است؛ هر شهروند بالغی می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا قصد استفاده از این حق را دارد یا نه. واقعیت‌های دو انتخابات اخیر نشان می‌دهد که مشارکت بالا برای بسیاری از اصولگرایان مساله مهمی نبوده است. سخنگوی شورای نگهبان رسماً اعلام کرد، مشارکت برای بخش‌هایی از حاکمیت اولویت نبوده است. یعنی در دلزنگی مردم از حضور در انتخابات تاثیرگذار است و با ردصلاحیت‌ها به نفع يك جریان خاص، مردم را دلسرد می‌کند، رسماً اعلام می‌کند که مشارکت مردم مساله مهمی نیست! تحریم انتخابات توسط شورای نگهبان انجام می‌شود. بعد آقای باهنر می‌آید و می‌گوید: «عده‌ای اصلاح‌طلب ناخلف»... ناخلف کسی است که میثاق میان ملت و حکومت را کنار می‌گذارد.

بنابراین اصلاح‌طلبان هرگز به دنبال تحریم انتخابات نیستند، بلکه در برخی برهه‌ها اجازه مشارکت در انتخابات به آنها داده نشده است. درست متوجه شدم؟

اصلاح‌طلبان هرگز از صندوق‌های رای قهر نکرده و نمی‌کنند، بلکه جریانی تندرو قصد دارد اصلاح‌طلبان را حذف کند. همان‌طور که این جریان‌ها کل مردم را حذف کرده و نادیده انگاشته‌اند. معتقدم خود آقای باهنر هم به حرف‌هایی که زده‌اند، اعتقادی ندارند و بیشتر

برای خوش‌آمد برخی افراد و جریان‌ات این اظهارات را داشته‌اند. مدت‌هاست افرادی مانند باهنر، احمد توکلی و حتی علی لاریجانی که با عنوان اصولگرایان سنتی از آنها نام می‌برند، دیگر در تصمیم‌سازی‌های جناح راست به بازی گرفته نمی‌شوند، برخی تحلیلگران معتقدند، حمایت تمام قد باهنر از دولت ریسی و نواختن اصلاح‌طلبان، بیشتر در راستای جلب توجه تصمیم‌سازان اصلی جناح راست (اعضای جبهه پایداری) است. این تحلیل درست است؟

مشخص است این خوش‌خدمتی‌ها در ازای تمنايي انجام می‌شود. این افراد قطعاً شرایط جامعه را می‌بینند و مشکلات مردم را درک می‌کنند. باهنر در جلسات خصوصی که با فعالان سیاسی دارد، دقیقاً خلاف این نوع اظهارنظرها را دارد. در جلسات مجمع تشخیص و در جلسه اخیرشان با احمد وحیدی، وزیر کشور در انجمن اسلامی مهندسين، اظهاراتی متفاوت داشته‌اند. خوب است دوستان، دیدگاه‌های انتقادی‌شان علیه دولت سیزدهم را که در خلوت بیان می‌کنند، آشکارا هم بیان کنند.

سخنگوی شورای نگهبان در شرایطی در انتخابات گذشته اعلام کردند که مشارکت مردم در انتخابات، اولویت نیست که رهبر انقلاب بارها در خصوص انتخابات آزاد، رقابتی و مشارکتی صحبت کرده‌اند. در فاصله 7 ماه مانده تا انتخابات مجلس دوازدهم آیا زمینه‌های برگزاری انتخاباتی سالم، آزاد و رقابتی ایجاد شده است؟

تا به امروز هیچ بستری برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات فراهم نشده است. انتخابات آزاد، رقابتی و سالم شرایطی را نیاز دارد تا همه سلیق در آن حضور داشته باشند. نظام ایران، جمهوری اسلامی است، اما جمهوریت نظام با ضربات شدید مخالفان آزادی و مردم‌سالاری مواجه شده است. در کدام نظام جمهوری است که احزاب جایگاهی نداشته باشند؟ در قانون جدید انتخابات، تمام رویه‌های غلط قبلی که مورد اعتراض جامعه بوده نه تنها اصلاح نشده‌اند، بلکه مانع‌تراشی‌ها، قالبی قانونی پیدا کرده‌اند! در این طرح بحث انتخابات تناسبی در تهران را مطرح کرده‌اند که نوعی بحث انحرافی است. چطور میشود احزاب نادیده گرفته شوند، بعد رقابت حزبی وجود داشته باشد. این طرح داده شده تا اصولگرایان در زمان شکست هم فرصتی داشته باشند. حق تعیین سرنوشت حقی نیست که قانون و جمهوری اسلامی به ایرانیان داده باشند، بلکه این حقی است که خداوند به همه انسان‌ها اعطا کرده است. خداوند به صرف انسان بودن این حق را داده است. در قانون اساسی، شرع اسلام و... بر آن تأکید شده، اما نگاه‌گزینشی جریان اقتدارگرای حاکم به دنبال سلب این حق فطری از شهروندان است. امروز به جای اصلاح این روند غلط در حال سخت‌تر کردن شرایط هستند.

با این شرایط دورنمای پیش رو را چطور می‌بینید؟

اگر می‌خواهید مردم در انتخابات شرکت کنند باید در سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها مشارکت داشته باشند. اما رویکردهای افراطی و تمامیت‌خواهانه باعث شده به مشارکت انتخاباتی آسیب وارد شود. مجلس در جایگاه خود نیست؛ اگر مجلس در راس امور بود، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی قانونگذاری نمی‌کرد. اگر مجلس در جای خود بود، شورای هماهنگی سران قوا، بودجه را تصویب نمی‌کردند. دوستان قانونی غلط برای ساعات اداری کشور تصویب می‌کنند که در اجرا مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند، اما به جای اصلاح، موضوع را به شورای سران برده و درباره آن تصمیم‌گیری می‌شود. مفهوم با عنوان شورای هماهنگی سران قوا در قانون معنایی ندارد. وقتی نهادهای قانونی در جای خود نباشند، مردم هم اهمیتی برای انتخاب آن پوزیشن خاص قائل نمی‌شوند و در انتخابات شرکت نمی‌کنند. تا زمانی که انتخابات موضوعیت پیدا نکند، نمی‌توان انتظار مشارکت از مردم داشت.

آقایان اصلاح‌طلبی را جرم‌انگاری کرده‌اند؛ یعنی افراد به دلیل اینکه در احزاب اصلاح‌طلب عضو هستند، ردصلاحیت می‌شوند اصلاح‌طلبان هرگز از صندوق‌های رای قهر نکرده و نمی‌کنند، بلکه جریان‌اتی تندرو همان‌طور که مردم را حذف کرده‌اند، قصد دارند اصلاح‌طلبان را نیز حذف کنند

قانون جدید انتخابات، تمام رویه‌های غلط قبلی که مورد اعتراض جامعه بوده نه تنها اصلاح نشده‌اند، بلکه مانع‌تراشی‌ها، قالبی قانونی پیدا کرده‌اند!

منبع: روزنامه اعتماد 12 تیر 1402 خورشیدی